

مهمان این شماره نشریه، آقای دکتر عبدالرضا واعظی هیر، استادیار و مدیر گروه زمین شناسی



دکتر عبدالرضا واعظی هیر

لطفا به بیوگرافی از خودتون برای ما بگید
عبدالرضا واعظی هیر. متولد سال 1357 در شهر هیر از توابع شهرستان اردبیل. دوران ابتدایی و راهنمایی رو در هیر بودم. دوران دبیرستان تو اردبیل درس خوندم یعنی اولین دوره نظام جدید در سال 72 که در این دوره درس ها خیلی سخت بود و سیستم به کلی عوض شده بود و سیستم ترمی رایج شده بود ولی ما این ریسک رو کردیم و وارد نظام جدید شدیم. دوره پیش دانشگاهی رو هم در اردبیل در یکی از بهترین دبیرستان ها به نام مدرس گذروندم و در سال 76 در رشته زمین شناسی دانشگاه تبریز پذیرفته شدم. در سال 80 با رتبه 1 در رشته هیدروژئولوژی دانشگاه شیراز پذیرفته شدم و در سال 83 بلافاصله بعد از اتمام کارشناسی ارشد در آزمون دکتری شرکت کردم و قبول شدم که کلاسهای ما با یک سال تاخیر شروع شد. از سال 84 تا 90 به مدت 6 سال دوره دکتری ما طول کشید که در دانشگاه شیراز هنوز 6 سال (حداقل به 5 سال) برای دکترا عادی محسوب میشه. یک فرصت مطالعاتی 6 ماهه در دانشگاه توبینگن آلمان داشتم که یک فرصت طلایی و تجربه بزرگی در رابطه با علم روز و دانشگاه های اروپایی بود. در دوره کارشناسی ارشد روی تغذیه مصنوعی و در دوره دکتری بر روی آلودگی های نفتی آب زیر زمینی کار کردم که به خاطرپایان نامه دکترا به مسایل آلودگی و محیط زیست علاقمند شدم و این پایان نامه منجر به ارائه روش جدیدی برای شناسایی منشا آلاینده های نفتی شد. سال 90 از پایان نامه دکتری دفاع کردم و بلافاصله در دانشگاه تبریز مشغول به تدریس شدم و الان هم به مدت 1 سال و 5 ماهه که به عنوان مدیر گروه زمین شناسی در خدمتتون هستم.

لطفا برای ما ازسوابق کاریتون بگید: در کنار تحصیل من هیچ وقت از بحث کار دور نبودم. علتش هم وجود استادی است که من مدیونش هستم، یعنی آقای دکتر رئیسی. ایشان در آشنایی ما با محیط کار و صنعت نقش مهمی داشتند. چون پروژه های زیادی در دست داشتند و ما همزمان با تحصیل وارد همین پروژه ها می شدیم. اولین کار من همکاری در پروژه مطالعات کارست و فرار آب سد خرسان 3 بود. آقای دکتر رئیسی آن موقع منو به عنوان کارشناس ناظر و نماینده دانشگاه برای مطالعه روی کارست و ردیابی به محل مورد نظر فرستاد. آن فرصت برای من بسیار عالی بود چون آن منطقه بهشت زمین شناسی و آب شناسی بود و با تجربه ای که از آنجا داشتم توانستم اعتماد و توجه دکتر رئیسی را جلب کنم و بعدش در 5 پروژه دیگر دانشگاه شیراز که همگی در کارست هیدروژئولوژی و ردیابی در سد بود همکاری داشتم و در عین حال همزمان با چند شرکت هم وارد همکاری شدم به طوری که همزمان با تحصیل در مطالعات 27 حوضه از سیستان و بلوچستان گرفته تا تهران و آذربایجان شرقی با این شرکتها

همکاری داشتم. الان هم در قالب پروژه های ارتباط با صنعت، مجری چند پروژه بوده و با کمک دانشجویان در حال انجام آنها هستیم.

اولین دوره تدریستون کجا بوده: در پیام نور اردبیل یک ترم درس دادم بعد از اینکه دکتری قبول شدم دیگه تدریس در اردبیل منتفی شد. در دوره دکتری دردانشگاه شیراز درسهایی مثل نقشه برداری و هیدرولوژی را تدریس می کردم.

از تالیف هایی که داشتین برای ما بگید: در حال حاضر نزدیک به 30 مقاله کنفرانس داخلی و خارجی ISI و علمی- پژوهشی دارم و تعدادی مقاله در دست تهیه که به دلیل مشغله زیاد کاری فرصت تکمیل انها را نداشته ام.

حالا را زمین شناسی؟ علاقه داشتین یا اجبار؟ نه علاقه نبود و زمین شناسی جز انتخاب های آخر من بود ولی خوشحالم که این رشته رو انتخاب کردم و اگه به گذشته برگردم،زمین شناسی اولین یا حداقل یکی از 10 انتخاب اول من خواهد بود. زمین شناسی رو من در دانشگاه شناختم و مثل بسیاری از دانش آموزان در دوره دبیرستان اطلاعات چندانی از زمین شناسی نداشتم وقتی آشنا شدم فهمیدم رشته متفاوت و جذابی است و اکنون عاشق رشته ام هستم و سعی خواهم کرد تا جایی که از دستم برمی آید برای ارتقاء زمین شناسی دانشگاه تبریز و ایران تلاش کنم.

جایگاه رشته زمین شناسی رو در ایران چطور می بینید؟

از دو دیدگاه می توان جایگاه زمین شناسی را بررسی کرد: از دیدگاه پتانسیلها و مزیتهای نسبی فراوانی که ما برای این رشته در ایران داریم یا از دیدگاه جایگاه فعلی که در ایران دارد. از دیدگاه پتانسیلها بدون تردید ما جزء چند کشور اول دنیا هستیم.وجود منابع عظیم نفت و گاز و معادن از یک طرفهای و چالشهای متعدد طبیعی و زیست محیطی از طرف دیگر پتانسیل ممتاز اینر رشته را در ایران نشان می دهد. به عوان یک مثال دیگر اگر بخواهیم نظیر پدیده های زمین شناسی ایران را در سایر کشورها ببینیم باید در 10 کشور متفاوت دنبالش بگردیم در حالی که تمام این پدیده ها یکجا در کشور خودمون دیده می شوند. ولی جایگاه واقعی زمین شناسی در کشور به سطح اصلی و جایگاه مناسبش نرسیده، شاید یک علتش این باشه که هیچگاه در کشور یک زمین شناسی رو در جایگاه بالای مدیریتی نداشتیم که بتونه بهای لازم رو به این رشته بده و این مربوط به سیاست گذاری های دولت است. ما اگر به شرکت های زمین شناسی سر بزیم متوجه می شویم توسط رشته های دیگر موقعیت های شغلی زمین شناسی اشغال شدهو ما نتوانسته ایم اون فرصت های شغلی خودمون رو از رشته های دیگه پس بگیریم. پس از یک طرف پتانسیل زیاد برای زمین شناسی و لی از یک طرف زمین شناس بیکار. من فکر می کنم هرچقدر به شایسته سالاری واقعی در کشور نزدیک شویم،زمین شناسی نیز جایگاه واقعی خود را خواهد یافت.

استاد نظرتون راجع به گفته های اخیر دکتر علوی چیه؟

من در اون سخنرانی حاضر بودم در مورد مسائل علمیش چون تخصص من نیست نمی توان اظهار نظر کنم،ولی در مورد کلیت قضیه باید بگم که خیلی داستان جالبیه،وقتی یک نفری اومده و حرف متفاوتی میزنه ما باید به حرفش گوش کنیم و این کار خیلی قشنگی است. اصلا طبیعت علم این است و همیشه ما باید از کسانی که سعی می کنن یک نظری رو بر خلاف نظریات قبلی بدن استقبال کنیم.چون باعث می شه که همون نظر رایج هم به چالش کشیده بشه. به گفته دکتر علی شریعتی " هرگز از کسی که همیشه با من موافق بود ، چیزی یاد نگرفتم".

از خاطرات دوران دانشجوییتون برامون بگین؟ خاطرات خوب و بد ما خیلی داریم من نزدیک 13 سال در خوابگاههای دانشجویی

بودم،هنوزم که هنوزه با خاطرات اون موقع دارم زندگی می کنم.یکی از خاطرات خویم قبولی در کارشناسی ارشد بود. ما سه نفر هم اتاقی بودیم که مجموع رتبه هامون 4 شد،یعنی رتبه 1 نفت،2 مهندسی،1 آب.

و خاطرات بدی که ما داشتیم خاطره در گذشت دکتر عامری و دکتر خاضع بود که بسیار غم انگیز بود.

از سختیهای دوران دانشجویی در نهایت فقط خاطرات خوش باقی می ماند.

از اینکه با استادای قبلی تون الان همکارین چه حسی دارین؟
بسیار فرصت مغتنمی هستش، اینکه اینجا وارد دانشگاهی میشی که اونجا برایت مثل خونه خودته و غریبه نیستی و همکاران همه میشناسنت باعث میشه خیلی سریع جا بیفتی. شما یک دوره ای دانشجویشون بودی و این دوستی های قدیمی که الان تجدید شده در این محیط باعث میشه که ما بتونیم در کنار اساتید پیشکسوت که همیشه استاد ما هستن و خواهند بود بتوانیم همچنان بیاموزیم و از تجربیات ارزنده آنان بهره مند شویم. از نظر شما دانشجوی خوب چه ویژگی هایی باید داشته باشد؟ دانشجوی خوب دانشجویی هستش که اولویت اولش درس باشه، اگر اولویت اول درس نشد؛ دیگه خیلی کارش سخت خواهد شد. دانشجو باید تفریح کنه، باید ورزش کنه، باید به زندگی روزمراش برسه ولی اولویت اولش باید همچنان درس باشه.

بیشتر به چه کتابهایی علاقه دارین؟

همیشه از خواندن تاریخ لذت می بردم شاید دلیلش هم این هست که یکی از بهترین معلمین من، برادرم، معلم تاریخ هستن و در دوره ی راهنمایی به من درس می دادند. من به ادبیات نیز علاقه فراوانی دارم و خواندن شعر همیشه برایم لذت بخش بوده است.

ورزش های مورد علاقتون چه ورزش هایی هستن؟

فوتبال رو از همه بیشتر دوست دارم،بیشتر از هر ورزشی دنبال می کنم،مخصوصا فوتبال ملی؛در عین حال خودم هم یک زمانی کونگ فو کار می کردم.الان هم یک برنامه دوچرخه سواری با چندنفر از همکاران ترتیب داده ایم.

به موسیقی علاقه دارین؟ موسیقی سنتی بخش مهمی از زندگی شخصی من بوده است. از دوران کارشناسی با سنتور انس گرفتم. هنوزم اگه وقت داشته باشم سراغ سنتور می روم. موسیقی باید روح رو تلطیف بکنه اگر بعد از گوش دادن به موسیقی، این اتفاق نیفته پس موسیقی کار خودش رو انجام نداده، به خاطر همین به موسیقی سنتی خیلی علاقه دارم. در موسیقی های خارجی هم همین طورهست،یعنی بیشتر موسیقی کلاسیک و Soft Country گوش میدهم.

تعریف شما از بهترین دوست چیه؟ بهترین دوست اینه که باهات رو راست باشه. اناری رو می کنم دانه، می گویم با دل خویش، کاش مردم دانه های دلشان پیدا بود....باید رو راست باشه و نیازی نباشه که هر روز صداقت دوستت رو چک بکنی. دوست خوبی یعنی به جایی برسی که یک بار برای همیشه بتونی بهش اعتماد بکنی.

تو کارای خونه به خانومتون کمک می کنید؟ عرض کنم که تو خوابگاه آشپز اتاقمون من بودم. بعد از متاهل شدن در برابر آشپزی حرفه ای خانوم ام حرفی برای گفتن نداشتم! در مورد خانواده خودتون بگین؟ من و همسرم همکلاسی دوران کارشناسی بودیم که چند سال بعد از فراغت از تحصیل با هم ازدواج کردیم و شاید در زمانی که خبر نامه شما چاپ میشه من دیگر پدر شده باشم. (اولین تبریک رو از طرف ما داشته باشین.....)

سلامت باشین ...اولین تبریک را شما گفتین پادم باشه . . . !

البته در مورد همسرم این مطلب رو نگفتم که ایشون هم اینک دانشجوی کارشناسی ارشد آشناسی دانشگاه تبریز هستند. چند تا از خصوصیات اخلاقتون که همه شما رو با اون میشناسن؟
دقیقا نمی دونم دیگران در مورد من چه فکری می کنند ولی اون چیزی که خودم از خودم شناخت دارم اینه که تا به حال هیچ کارناتمامی نداشته ام. یعنی کاری رو شروع نکرده ام که نتونم تمومش کنمو اینکه خودم رو آدم با پشتکاری میشناسم. ویژگی دیگر اینکه آدم دیر قولی هستم. یعنی وقتی قول می دهم حتما عمل میکنم ولی گاهی خیلی دیر که بعضا باعث رنجش دوستانم شده است. ولی واقعا تعداد قولهایی که بهشون عمل نکردم خیلی کم هستنش. شاید یک علت اش این است که متاسفانه "نه" گفتن بلد نیستم.

چند تا جمله میگیرم، شما اولین جمله یا کلمه ای که بعد از شنیدن این کلمات به ذهنتون میرسه رو برای ما بگین؟
دانشجو: تلاش، پایان نامه: مهم
شفیفت : آخرین امید دانشگاه تبریز: شایسته بهترین ها
زندگی: زیبا هیدروژئولوژی: دارسی
مته حفاری: یعنی اینکه هیچ کاری نشدنی نیست.
مدیر:مسئولیت دانشکده علوم: قدمت
آی اس آی: ارتقا خدا: نزدیک است
علی دایی: پشتکار تراختور: آذربایجان
_بزرگترین خواسته زندگیتون... سلامتی خانواده و دوستان
_تو دنیا بیشتر از چی میترسیین؟
خب اگه بگم که فردا میان منو میترسونید... (با خنده)
تو دنیا بیشتر ازهمه از نا امیدی میترسم.

_سخن پایانی...

سخن پایانی من با دانشجویان عزیز است...یک خاطره ای استاد من آقای دکتر رئیسی تعریف میکرد که برای من خیلی الهام بخش بوده است. ایشون اهل یک روستایی هستند، میگفتن که دوران ابتدایی رو که اونجا درس میخونده همیشه شاگرد دوم بوده، میگفتن هر چقدر هم که تلاش میکردم شاگرد اول بشم،نمیشدم و همیشه یک نفر از من جلوتر بود، ولی پدر من از خوانین منطقه بود و ما توانستیم بعد از دوره ابتدایی بیایم شیراز. بعد از اتمام مدرسه با پول پدرم تونستم برم آمریکا و ادامه تحصیل بدم. ایشون میگفت در تمام مدتی که من رفتم شیراز و بعدش رفتم امریکا و بعدش برگشتم شیراز و استاد دانشگاه شدم، همیشه یک چیزی هنوزم که هنوزه منو آزار میده و اونم اینه که فکر میکنم این موقعیت من حق اون شاگرد اول روستامون بود ولی ایشون چون پول نداشت، نتونست ادامه تحصیل بده...

از این خاطره استفاده میکنم که بگویم هر کدام از ما به عنوان دانشجوهای یا اساتید باید کاری کنیم که احساس کنیم که لیاقت این موقعیتی که الان توش هستیم رو داریم، یعنی اینکه همیشه فکر کنیم این نیمکت هایی که ما پشتش نشستیم شاید حق اون بچه روستایی هستش که نتونسته بیاد اینجا بنشینه؛ یا این کرسی استادی که ما پشتش نشستیم شاید حق یک کس دیگه ای بوده که اگه اونم فرصتهای مارو داشت میتونست بیاد به اینجا برسه و از طرف دیگر ما با پول بیت المالی درس خوانده ایم که سهم آن کودک روستایی هم بوده است. بنابراین برای اینکه لیاقت این نیمکت ها،لیاقت این میز رو داشته باشیم و همیشه خیالمون از این بابت راحت باشه، باید بهترین باشیم و همیشه این تو ذهنمون باشه که اگر من کوتاهی بکنم حق اون بچه روستایی رو ضایع کرده ام. برای اینکه لیاقت موقعیتمان را داشته باشیم باید بهترین باشیم.

موفق باشید